

نوشتن دربارهٔ بعضی‌ها دشوار است. سال‌های خود را تباه نکرده‌اند و چنان پربار زیسته‌اند که عمر درازشان کوتاه به نظر می‌آید. به جز جد و جهد و دود چراغ خوردن مدام، سبک زندگی خاص و اسلوبی متمایز داشته‌اند. آنها ضمن گوشه‌گیری و زیستن در انزوا از مناعتی برخوردارند که نمی‌گذارد سرشان به آسمان فرو بیاید.

فریدون آدمیت که روز شنبه دهم فروردین در هشتاد و هفت سالگی درگذشت یکی از آنها بود. در عرصهٔ تاریخ‌نویسی معاصر هیچ نامی به اندازه نام او معتبر نیست. به جای تلبار کردن سلسلهٔ حوادث و رویدادها به شناخت و کشف علل آنها همت می‌گماشت، به تبیین و تحلیل آنها می‌پرداخت و تاریخ‌نویسی را از شکل مرسوم تا سطح نوشتن دربارهٔ اندیشه و فکر ارتقا می‌داد. ایده‌های تجدد را از میان انبوه واقعیات و از لابه‌لای اسناد و مدارک مدفون در بایگانی‌ها بیرون می‌کشید و تحویل آیندگان می‌داد.

سروکارش با دنیای مدرن بوده؛ از وقتی که کاروان معرفت به اروپا رفت. بیداری افکار ایرانیان را ثمرهٔ آشنایی با تمدن غربی و از نتایج تماس ایران و اروپا می‌دانست. به ثبت و ضبط افکار نو و ایده‌های مترقی و سرگذشت اندیشه‌ورانی می‌پرداخت که آبخور فکری و یا مرام سیاسی‌شان اروپایی شدن بود.

از روشنفکرانی بود که جایگزینی طبقه متوسط با اشرافیت قدیم را اساس پیدایی

دمکراسی تلقی می‌کرد و تفکیک دین از سیاست را شرط اساسی ورود به جهان دمکراسی می‌دانست.

هر چند خود جز چندی در دنیای سیاست گام نزد اما تاریخ‌نگاری او از نوع تاریخ‌نگاری سیاسی و از جنس علمی آن بود. به نوشتن دربارهٔ مباحثی همت می‌گماشت که می‌توانست سیاست را به راهی دراندازد که راه پیشرفت و ترقی از آن می‌گذشت. چنین طرز فکری با سیاست‌های جاری سی سال آخر عمرش سازگار نبود و به ناچار او را که هیچگاه اهل خودنمایی و معلومات فروشی نبود منزوی‌تر می‌کرد.

موضوع نوشته‌های او دورهٔ دگرگونی‌های بزرگ تاریخ ایران، اندیشه ترقی، و اندیشه‌ورزانی بود که نوگرایی ایران و امدار کوشش آنهاست. از این رو تاریخ فکر را در خلال تک‌نگاری‌هایی دربارهٔ روشنگران و سیاستگرانی دنبال می‌کرد که به سیاست ملی توجه داشتند.

از میان روشنگران به میرزا فتحعلی آخوندزاده، میرزا ملکم‌خان، میرزا آقاخان کرمانی و طالبوف تبریزی پرداخت و از بین سیاست‌مردان به قائم مقام و میرزا تقی‌خان امیرکبیر و میرزا حسین خان سپهسالار و میرزا یوسف خان مستشارالدوله که هر دو گروه تمام تلاش خود را در تجدد و نوگرایی ایران به کار گرفتند.

به میرزا فتحعلی آخوندزاده می‌پرداخت چون «اندیشه ساز فلسفه ناسیونالیسم» بود و ناسیونالیسم هسته اصلی تجددی قرار گرفت که ایران را به لونی دیگر می‌خواست.

به میرزا آقاخان کرمانی چون «بزرگترین اندیشه‌گر ناسیونالیسم» بود، و «منادی اخذ دانش و بنیادهای مدنی اروپایی، نقاد استعمارگری، هاتف مذهب انسان دوستی، نماینده نخله اجتماعی و متفکر انقلابی پیش از مشروطی».

به میرزا تقی‌خان امیرکبیر و میرزا حسین خان سپهسالار و دیگر سیاست‌گران می‌پرداخت چون معتقد بود کار مورخ به نگارش وقایع پایان نمی‌گیرد، «ایدئولوژی‌ها چون به مرحلهٔ عمل برسند معمولاً بلکه همیشه از اصول اولیه خود انحراف می‌پذیرند و تغییر بستر می‌دهند. در این امر دو عامل اصلی مؤثرند: یکی انفعال اجتماع در برخورد با آنها و دیگر هوس‌های آدمی.» و در شخصیت‌هایی که او بدانها می‌پرداخت هوس‌های آدمی جای چندانی نداشت.

تردید نیست که در تاریخ‌نگاری مشروطه نام فریدون آدمیت مانند نام احمد کسروی خواهد درخشید چون هرچه کسروی در شناخت سلسله رویدادهای مشروطه جد و جهد کرد و مدرک و سند به دست داد، فریدون آدمیت به بررسی سیر اندیشه

پرداخت. از همین رو، تمام تجدد ایرانی با همه ابعادش در آثار او انعکاس یافته است. امروز که به آدمیت فکر می‌کنیم می‌بینیم بدون نوشته‌های او از نواندیشی و نواندیشان پیش از مشروطه این همه شناخت به دست نمی‌آوردیم، به اهمیت آنان در ورود به دنیای معاصر پی نمی‌بریم، و بین آنان و دیگرانی که گاهی به این سو و گاهی به آن سو می‌غلطیدند تفاوت نمی‌گذاشتیم.

آدمیت به تاریخ‌نویسی ایران شکل علمی داد، به آن آبرو بخشید، آن را از انحطاطی که دچارش بود بیرون آورد، و به نسل‌های بعد از خود آموخت که چگونه به تاریخ بنگرند و رگه‌ها و جریان‌های فکری دوران‌ساز را دنبال کنند.



منتشر شد:

شورای عالی پژوهش‌های انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال بین‌رشته‌ای
جهان مدرن انسانی
و

ده نویسنده بزرگ

نقد و بررسی: داستایوسکی - ایبسن - کتراد - مان

پروست - جویس - الیوت - پیراندلو - وولف و کافکا

ترجمه فرزانه قوجلو

نشر چشمه - کریمخان زند - نبش میرزای شیرازی

تلفن: ۸۸۹۰۷۷۶۶